

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

مستثنیات حکم حریم خصوصی

نظارت دولت بر عملکرد مردم

۷۹- جلسه هجدهم

۹۴/۱/۱۵

8- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْخُدْرِيِّ عَنْ أَبِي صَادِقٍ قَالَ: دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ سُوقَ التَّمَارِينَ فَإِذَا امْرَأَةٌ قَائِمَةٌ تَبْكِي وَ هِيَ تُخَاصِمُ رَجُلًا تَمَّارًا فَقَالَ لَهَا مَا لَكَ قَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اشْتَرَيْتُ مِنْ هَذَا تَمْرًا بِدِرْهِمٍ فَخَرَجَ أَسْفَلُهُ رَدِيًّا لَيْسَ مِثْلَ الَّذِي رَأَيْتُ قَالَ فَقَالَ لَهُ رُدِّ عَلَيْهِهَا فَأَبَى حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا فَأَبَى فَعَلَاهُ بِالْذَرَّةِ حَتَّى رَدَّ عَلَيْهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ ص يَكْرَهُ أَنْ يُجَلَّلَ التَّمْرُ.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

در جلسه گذشته معلوم شد که ابو صادق همان کلیب بن شهاب الجرمی است. حال ببینیم کلیب بن شهاب الجرمی وضعیتش چگونه است. در منابع رجالی اهل سنت در باره کلیب بن شهاب چنین آمده است: عجل (م. ۲۶۱) در باب کلیب نام دو تن را می آورد و هر دو را توثیق می کند:

(۱۵۵۵) کلیب بن شهاب والد عاصم تابعی ثقة (۱۵۵۶) کلیب الجرمی بصری تابعی ثقة

در اینجا معلوم نیست که چرا او این دو را از هم جدا کرده در حالی که جرمی صفت پدر عاصم نیز هست. بعید است که دو تن به این نام بوده باشد احتمالاً تصحیفی در نسخ کتاب معرفة الثقة رخ داده است. ولی از آنجا که هر دو در کلام او توثیق شده اند تردید ضرری به بحث ما نمی زند عجل (م. ۲۶۱)، عاصم بن کلیب جرمی را نیز توثیق کرده است. ابو جعفر محمد عقیلی (م. ۳۲۲) نقل می کند که شریک گفته که عاصم از مرجئه بوده است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

در ذیل سند حدیثی ابن حجر (م. ۸۵۲) چنین آورده است:

... عاصم بن کلیب الجرمي عن ابيه و كان أبوه من اصحاب بدر. قلت: وقال ابن السكّن شهاب

الجرمي جد عاصم ابن کلیب يقال له صحبة و ليس بمشهور في الصحابة

این نقل نشان می‌دهد که کلیب و پدرش در عهد پیامبر زنده بوده‌اند و کلیب در جنگ بدر حضور داشته است. بنابر این اگر فرض کنیم که او زمان جنگ بدر یعنی در سال دوم هجری تنها ۱۷ سال داشته بنابر این برای درک امام باقر علیه السلام تا زمان شهادت امام زین العابدین علیه السلام به سال ۹۵ زنده باشد و بنابر این باید بیش از ۱۱۰ سال عمر کرده باشد.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

و ابن قانع بغدادی (م. ۳۵۱) در باره او و پسرش عاصم در روایتی مشهور آورده است:

حدثنا عبد الله بن محمد ، نا محمد بن إسحاق ، نا قطبة بن العلاء قال : حدثني أبي : العلاء بن المنهال قال : قال لي محمد بن سوقة : اذهب بنا إلى عاصم بن كليب ، فانطلقنا فكان فيما قال : حدثني أبي : كليب الجرمي أنه شهد جنازة شهدا رسول الله صلى الله عليه وسلم وأنا غلام مع أبي ، أفهم وأعقل ، فانتهى إلى القبر ، ولما مكن للميت فجعل رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول للحافر : " خذ من موضع كذا ، وسو موضع كذا " ، حتى ظن الناس أنه سنة ، ثم التفت إلى الناس فقال : " إن هذا لا ينفع الميت ولا يضره ، ولكن الله يحب من العامل إذا عمل شيئاً أن يجوده " .

این نقل نشان می‌دهد که کلب نه تنها در عهد رسول الله صلوات الله علیه و آله زنده بوده بلکه در آن زمان فرزند نیز داشته است. بنابر این باید فرض کرد که حدود زمان ۱۷ سالگی و زمان حضور در جنگ بدر فرزند داشته است و فرزند او قبل از وفات پیامبر حدوداً ده ساله بوده است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

ابن حجر در باره پدر کلب بن حنین آورده است:

شهاب بن المنون، و يقال: شهاب بن كلب بن شهاب، و يقال: شهاب بن أبي شيبة، و يقال: شبيب، و يقال: شتير، جد عاصم بن كلب الجرمي، له و لایيه صحبة. روی حدیثه عاصم بن کلب، عن أبيه، عن جده، عن النبي صلى الله عليه وسلم.

معلوم نیست که ضمیر له به عاصم بر می گردد یا به کلب ولی به هر حال این نقل نیز مصاحبت کلب را با پیامبر (ص) تأیید می کند.

اما ابن ابی حاتم شافعی (م. 327) از شاگردان فضل بن شاذان در اثر مشهور خود به نام الجرح و التعديل حنین آورده است:

كلب بن شهاب الجرمي الكوفي والد عاصم بن كلب روی عن النبي صلى الله عليه وسلم مرسلًا و لم يدركه انما يرويه الناس عن عاصم بن كلب عن ابيه عن رجل من الانصار و روی كلب عن عمر و علي و سعد و ابي ذر و وائل ابن حجر روی عنه ابنه عاصم بن كلب و ابراهيم بن مهاجر سمعت ابي يقول ذلك و املاه علي، نا عبد الرحمن قال سئل أبو زرعة عن كلب الجرمي والد عاصم ابن كلب فقال كوفي ثقة.

بنابر این نقل، کلب خود پیامبر را درک نکرده است و این در تناقض با اقوال پیشین است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

در سنن ترمذی حدیثی نقل شده که عاصم از پدرش از جدش روایتی را نقل می‌کند و جد عاصم در آن روایت نحوه نشستن پیامبر در نماز را که مشاهده کرده، توصیف می‌کند.

با مشاهده روایاتی که کلب الجرمی در روایات عامه دارد معلوم می‌شود که بسیاری از احادیث او با یک واسطه از پیامبر نقل می‌شود این واسطه گاهی وائل بن حجر و گاهی ابو هریره و گاهی پدرش شهاب است.

همچنین مالک بن انس (م. 179) روایتی نقل کرده که نشان می‌دهد او از شیعیان امام علی علیه السلام بوده است.

- قال محمد: أخبرنا أبو بكر بن عبد الله النهشلي عن عاصم بن كليب الجرمي عن أبيه - و كان من أصحاب علي - أن علي بن أبي طالب - كرم الله وجهه - كان يرفع يديه في التكبيرة الأولى التي يفتح بها الصلاة ثم لا يرفعهما في شيء من الصلاة.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

خلاصه آن که حضور کلیب در عهد رسول الله اختلافی است و اقوی آنست که ما قول برقی را که از رجالیون شیعه است ترجیح دهیم چون برقی ذکر نام او را از جمله اصحاب حضرت امیر علیه السلام شروع کرده است و نه از جمله اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله).

اما در هر حال قرائن متعددی برای توثیق یا لااقل تحسین ابو صادق وجود دارد. با این توضیحات سند حدیث مذکور از ابو صادق قابل اعتماد است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

عَنْ أَبِي صَادِقٍ قَالَ: دَخَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ سُوقَ التَّمَارِينَ فَإِذَا امْرَأَةٌ قَائِمَةٌ تَبْكِي وَ هِيَ تُخَاصِمُ رَجُلًا تَمَّارًا فَقَالَ لَهَا مَا لَكَ قَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اشْتَرَيْتُ مِنْ هَذَا تَمْرًا بِدِرْهِمٍ فَخَرَجَ أَسْفَلُهُ رَدِيًّا لَيْسَ مِثْلَ الَّذِي رَأَيْتُ قَالَ فَقَالَ لَهُ رُدِّ عَلَيْهِهَا فَأَبَى حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا فَأَبَى فَعَلَاهُ بِالْذِّرَةِ حَتَّى رَدَّ عَلَيْهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ ص يَكْرَهُ أَنْ يُجَلَّلَ التَّمْرُ.

دلالة حدیث:

بنابر این روایت حضرت در کار خرید و فروش این دو نفر دخالت کرده است و در حریم این دو ورود کرده است.

البته اینجا می‌توان گفت که این ورود تنها به دلیل امری ولایی نبوده بلکه به دلیل حرمت ذاتی غش در معامله بوده است. ولی به هر حال بر ولی امر است که حتماً در این نوع موارد که ظلمی واقع شده است حق را به صاحبش برگرداند. عقلاً این نوع رد ظلم را از وظائف حاکم می‌شمارند.

به هر حال این نکته خللی در استدلال وارد نمی‌کند چون مورد از مصادیق ورود در معامله دیگران یعنی از مصادیق ورود در حریم خصوصی دیگران است. ورود حضرت نشان می‌دهد که این نوع ورود در حریم خصوصی حرام نیست. چون روشن است که غش در معامله خصوصیتی ندارد و هر نوع تخلفی که از سوی متعاملین صورت بگیرد بر حاکم است که از آن جلوگیری کند.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

دسته‌ای از روایات که بر نهی ولی امر مسلمین از غش در معامله دلالت دارد. مرحوم کلینی آنها را جمع‌آوری کرده و با عنوان «باب الغش» آنها را آورده است. ظهور برخی از آنها در حضور ولی امر در بازار است. مانند روایت ذیل

9- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا. وَ- بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِرَجُلٍ يَبِيعُ التَّمَرَ يَا فُلَانُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ غَشَّهُمْ. .

سند روایت صحیح است.

10- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ مُحَبُّوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ ص فِي سُوقِ الْمَدِينَةِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَبِيئاً وَ سَأَلَهُ عَنْ سِعْرِهِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَدُسَّ يَدَيْهِ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ فَأَخْرَجَ طَعَاماً رَدِيئاً فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَاكَ إِلَّا وَ قَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَ غِشّاً لِلْمُسْلِمِينَ.

سند روایت مبتنی بر تصحیح ابی جمیل و سعد الاسکاف است. نام ابو جمیل و سعد بن طریف الاسکاف را گرچه ابن غضائری تضعیف کرده ولی شیخ طوسی او را صحیح الحدیث دانسته است. نجاشی نیز گرچه گفته که حدیث او معروف و منکر دارد ولی احتمالاً این کلام ناظر به عقیده اولیه او که از ناووسیه بوده است ولی همان طور که کشی گفته بعداً او از این قول برگشته و تابع امام صادق علیه السلام شده است. . نام ابو جمیل، مفضل بن صالح است. ابن غضائری و به تبع او علامه حلی گفته اند او فردی ضعیف و کذاب بوده و وضع حدیث می کرده است. ولی ظاهراً این به دلیل نقل خود اوست که گفته من رساله معاویه به محمد بن ابی بکر را جعل کرده ام. ولی فی نفسه فرد قابل توثیقی است چون بزنتی از او به کرات حدیث نقل کرده و ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی نیز از او روایت نقل کرده اند. بنابر این سند روایت بلا اشکال است. مجلسی اول نیز این حدیث را حسن شبه صحیح دانسته و دو راوی اخیر را مضر به سند حدیث ندانسته است. .

- ناووسیه گروهی از شیعه بودند که گفتند امام صادق علیه السلام نمرده و نمی میرد تا این که به عنوان مهدی قائم ظهور کند.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

10- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ مُحَبُّوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ ص فِي سُوقِ الْمَدِينَةِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَبِيئًا وَ سَأَلَهُ عَنْ سِعْرِهِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَدُسَّ يَدَيْهِ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ فَأَخْرَجَ طَعَامًا رَدِيًّا فَقَالَ لِصَاحِبِهِ مَا أَرَاكَ إِلَّا وَ قَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَ غِشًّا لِلْمُسْلِمِينَ.

دلالیت روایت: این روایت نشان می‌دهد که پیامبر در فروش دیگران دخالت کرده و آنان را از حيله‌گری در معامله منع کرده‌اند. از این روایت می‌توان استفاده کرد که حاکم اسلامی می‌تواند درون کالای دیگری دست برد تا حيله‌گری او را فاش کند. بنابر این با یک توسعه می‌توان گفت اگر کسی از پرداخت حقوق حقه حاکمیت از جمله مالیات فرار کند حکومت می‌تواند برای تعیین این تخلف به حساب او سرک بکشد تا فرارهای مالیاتی او را کشف کند. یا اگر معلوم گردد که پرداخت یارانه‌ها حق برخی نیست ولی آنان همچنان آن را اخذ می‌کنند با بررسی حسابهای بانکی آنان را از این کار منع کرد. اگر کشف خیانت یا غش از سوی حاکم اسلامی مجاز باشد کشف امور مشابه از حساب بانکی نیز مجاز است. این نوع ورود در حریم خصوصی دیگران حرام نیست.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

روایاتی از نظارت حضرت امیر علیه السلام بر بازار کوفه در کتب اهل سنت نیز وارد شده است، که برخی از آنها گذشت و به رخی دیگر اشاره می‌کنیم:

11- حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَامِرٍ الْعَدَوِيُّ وَهُوَ حَوْثَرَةُ بْنُ أَشْرَسَ قَالَ: أَخْبَرَنِي عُقْبَةُ بْنُ أَبِي الصَّهْبَاءِ أَبُو خُرَيْمٍ الْبَاهِلِيُّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بِشَطِّ الْكَلَاءِ يَسْأَلُ عَنِ الْأَسْعَارِ.

نام کامل عبدالله، عبدالله بن احمد پسر احمد بن حنبل است که از ابو عامر روایت نقل می‌کند باید دانست که برخی از روایات فضائل الصحابة احمد بن حنبل از خود احمد نیست بلکه پسرش بعدها به کتاب پدر اضافه کرده است. خود کتاب فضائل الصحابة احمد بن حنبل سه بخش اساسی دارد: بخشی متعلق به احمد بن حنبل، بخشی متعلق به عبدالله بن احمد بن حنبل پسر اوست که از اساتید خود غیر از پدرش نقل کرده و بعداً به کتاب پدر اضافه کرده و بخش سوم نیز متعلق به قطیعی شاگرد عبدالله بن احمد بن حنبل است که از اساتید دیگرش غیر از عبدالله نقل می‌کند. این روایت از نوع دوم است.

۴-۳- نظارت ولی امر بر بازار

11- حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَامِرٍ الْعَدَوِيُّ وَهُوَ حَوْثَرَةُ بْنُ أَشْرَسَ قَالَ: أَخْبَرَنِي عُقْبَةُ بْنُ أَبِي الصَّهْبَاءِ أَبُو خُرَيْمٍ الْبَاهِلِيُّ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بِشَطِّ الْكَلَاءِ يَسْأَلُ عَنِ الْأَسْعَارِ.

ذهبی، حوثره بن اشرس را محدثی صدوق برشمرده که در سال 232 وفات یافته است همچنین ابن حبان (م. ۳۵۴) نام او را در کتاب ثقات خود آورده که تعدیل او همان گونه که خود در مقدمه نقل می کند بدان معناست که امر خلافی از او نقل نشده است. ابن معین (م. ۲۳۳) عقبه بن ابی صهباء را توثیق کرده. ولی از پدرش که عبدالله نام داشته توثیقی نرسیده است بلکه صرفاً دو حدیث از او نقل کرده اند بنابر این سند حدیث حتی بنابر قول رجالیون اهل سنت موثق نیست. شط به معنای ساحل رودخانه یا دریا و کلاً به معنای گیاه است. بعید است که نام منطقه ای باشد احتمالاً منظور لب رودخانه کوفه جایی که گیاهان می روئیده که محل خرید و فروش بوده است. حدیث بر همان رویه حضرت دلالت دارد که به بازارها سرکشی می کرده و مراقب اوضاع بوده که کسی بی جهت قیمت ها را افزایش ندهد. این همان نکته ای است که شواهد دیگر پیشین دال بر آن بود که یکی از وظائف ولی امر مسلمانان نظارت بر امر بازار است.

و الحمد لله رب العالمين